

به نام خدا

نظام مالیاتی در کشور

اصولا نظام مالیاتی در هر جامعه ای دو هدف عمده را دنبال می کند که به شرح ذیل است :

۱- تامین هزینه های جاری دولت

۲- اصلاح مسیر اقتصاد کشور

الف : تامین هزینه های جاری دولت

در حال حاضر عمده سمت گیری نظام مالیاتی کشور بر مبنای شناسایی و کسب در آمد استوار می باشد و به جنبه دیگر آن یعنی تلاش در جهت حل سایر معضلات اقتصاد کشور از قبیل اشتغال ، سرمایه گذاری و توسعه و نظایر آن کمتر توجهی شده است و اگر هم توجه شده تاکنون اثر تاثیر گذاری را نداشته است .

به همین دلیل است که در بند های هفتگانه طرح تحول اقتصادی ، موضوع تدوین نظام جامع مالیاتی کشور نیز گنجانیده شده است و هم اکنون نیز بحث های کارشناسانه بر روی آن ادامه دارد .

از طرف دیگر قانون اصلاح فضای کسب و کار نیز در دستورکار اتاق ایران و مجلس شورای اسلامی می باشد و یکی از شاخصه های دهگانه فضای کسب و کار ، بحث نظام مالیاتی در کشور می باشد .

در آمد های مالیاتی دولت :

در سال ۱۳۸۸ ، جمع در آمد های مالیاتی دولت بالغ بر ۳۰۰ هزار میلیارد ریال بود که ۶۲,۵۰۰ میلیارد ریال آن ناشی از در آمد های گمرکی و ۱۶,۹۰۰ میلیارد ریال آن نیز از محل مالیات بر ارزش افزوده حاصل گردید و مابقی آن نیز به مبلغ تقریبی ۲۲۰,۰۰۰ میلیارد ریال حاصل مالیات های مستقیم می باشد این در حالیست که هزینه های جاری دولت در سال ۱۳۸۸ به رقم ۶۰۰ هزار میلیارد ریال رسید به عبارت دیگر فقط ۵۰٪ از هزینه های جاری دولت در سال ۱۳۸۸ از محل در آمدهای مالیاتی تامین گردید و مابقی آن از محل سایر منابع منجمله فروش نفت و سایر فراورده های آن بدست آمد . به همین دلیل است که در برنامه پنجم توسعه ، دولت مکلف شده است که تا آخر سال اجرای برنامه اتکا بودجه جاری به در آمد های نفتی را به طور کامل قطع نماید و منابع حاصل از فروش نفت و گاز صرفا به انجام سرمایه گذاری در امور زیر بنایی و تولید ثروت اختصاص یابد .

در آمد های غیر نفتی دولت در سال ۱۳۸۹ بر مبنای بودجه ارائه شده بالغ بر حدود ۷۲۰ هزار میلیارد ریال می باشد که معادل ۳۹۰ هزار میلیارد ریال آن یعنی ۵۴٪ آن در آمد های مالیاتی می باشد که از این رقم پیش بینی شده است که معادل ۱۰۰ هزار میلیارد ریال در آمد

های گمرکی و ۲۸,۰۰۰ میلیارد ریال آن مالیات بر ارزش افزوده و مابقی آن نیز از مالیات های مستقیم بدست آید.

با نگاهی به اعداد و ارقام تحقق یافته در سال ۱۳۸۸ و پیش بینی شده در سال ۱۳۸۹ متوجه می شویم که بودجه جاری دولت ۲۰٪ ، جمع در آمد های مالیاتی ۳۰٪ ، در آمد های گمرکی ۶۰٪ و در آمد های حاصل از مالیات بر ارزش افزوده ۶۵٪ افزایش خواهد یافت . در همین حال سهم مالیات ها در تامین هزینه های جاری دولت از ۵۰ درصد به ۵۴ درصد افزایش می یابد .

چنانچه از اعداد و ارقام استنباط می شود علی رغم افزایش ۳۰ درصدی در آمد های حاصل از مالیات ، سهم این در آمد ها در هزینه جاری دولت فقط ۴ درصد افزایش می یابد و این نشان دهنده این موضوع است که علی رغم اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی ، نه تنها دولت کوچک تر نشده است بلکه سال به سال نیز بر حجم و بدنه آن افزوده می گردد . بدیهی است جهت افزایش سهم در آمد های حاصل از نظام مالیاتی در هزینه های جاری دولت ، فقط افزایش در آمد های مالیاتی کار ساز نمی باشد بلکه همزمان می باید از حجم و وسعت دولت و هزینه های جاری آن نیز کاسته شود .

اقتصاد پنهان :

یکی از راه های افزایش در آمد های مالیاتی دولت ، شفاف سازی و عریان نمودن نیمه پنهان اقتصاد کشور می باشد . بر اساس اعلام سازمان جهانی شفاف سازی ، در حدود ۳۵٪ از اقتصاد کشور پنهان و دسترسی به اطلاعات آن امکان پذیر نمی باشد . دسترسی به این بخش از فعالیت های اقتصادی می تواند دو مزیت برای اقتصاد کشور و واحد های صنعتی داشته باشد ، اولاً در آمدی مالیاتی که در حدود ۱۵۰ هزار میلیارد ریال می باشد را برای دولت کسب نماید و سهم در آمد های مالیاتی را در تامین هزینه های جاری دولت به ۶۲/۵ درصد برساند که رقم قابل قبولی می باشد و ثانیاً فشار بر روی واحد های صنعتی را به علت نیاز دولت به در آمد های مالیاتی کم نماید و دامنه معافیت های مالیاتی و همچنین اعتماد به مودیان مالیاتی را افزایش دهد .

در حال حاضر و به علت نیاز دولت به در آمد های مالیاتی و عدم توانایی در کسب این در آمد از تمام اقتصاد کشور ، بیشترین فشار بر واحد هایی آورده می شود که دارای فعالیت های شفاف بوده و دفاتر و اسناد آن ها در دسترس می باشد که واحد های صنعتی در راس آن ها جای دارند .

شفاف سازی اقتصادی :

به نظر اینجانب اجرای صحیح و دقیق دو قانون زیر می تواند فضای اقتصادی کشور را کاملاً شفاف نماید و در آمد های مالیاتی دولت را افزایش دهد .

۱- اجرای صحیح و بدون تبعیض قانون مالیات بر ارزش افزوده

۲- اجرای دقیق مقررات مبارزه با پول شویی

با اجرای دقیق این دو قانون تمامی معاملات کشور شفاف می گردد ، مسیر عبور کالا و پول دقیقاً مشخص می گردد و حتی کمک شایانی به امر مبارزه با قاچاق کالا می نماید .
نهادینه شدن خرید و فروش بر مبنای صدور فاکتور معتبر و واقعی از مزایای اجرای این قانون می باشد .

متأسفانه قانون مالیات بر ارزش افزوده که از ابتدای مهر سال ۱۳۸۷ با همین هدف تدوین و تصویب شد و به مرحله اجرا در آمد به علت اینکه انتهای زنجیره آن مستثنی گردید و صنوف از اجرای آن معاف گردیدند تا کنون نتوانسته است که اثر مورد انتظار خود را در شفاف سازی معاملات کشور داشته باشد .

و تا کنون تمامی فشار مالیاتی آن بر دوش واحد های صنعتی قرار داده شده است .

(فراموش نکنیم که کلیه فعالیت کشاورزی معاف از مالیات می باشد .)

بر فرض اینکه واحدی در صنعت نساجی وجود داشته باشد که معادل ۱۰ درصد فروش ، سود برده باشد و با توجه به اینکه در حال حاضر قادر به دریافت ۳ درصد مالیات بر ارزش افزوده از خریداران خود که همان صنوف باشند نمی باشند لذا می باید به جبران عدم شفافیت در معاملات صنوف ۳ درصد از فروش و یا به عبارتی ۳۰ درصد از سود خود را به سازمان های مالیاتی کشور بدهد . از طرف دیگر ۲۵ درصد از باقیمانده سود خود را نیز می باید از طریق مالیات های مستقیم به سازمان های مالیاتی بدهد . به عبارت دیگر این واحد نزدیک به ۵۰ درصد از سود خود را از طریق مالیات های مستقیم و غیر مستقیم به وزارت دارایی پرداخت نموده است .

این رقم با فرض اینکه درصد سود آن واحد به فروش ۵ درصد باشد تا ۸۰ درصد نیز افزایش خواهد یافت .

اجرای دقیق و بدون تبعیض این قانون می تواند کمک موثری به واحدهای صنعتی کشور باشد.

ب : اصلاح مسیر اقتصادی کشور

در سال ۱۳۸۰ و پس از آنکه نرخ مالیات های مستقیم از ۶۷ درصد به ۲۵ درصد کاهش داده شد کمک شایانی به واحد های صنعتی و رشد سرمایه گذاری های صنعتی در کشور انجام گردید . اما به مرور و با دریافت سایر عوارض از قبیل تجمیع عوارض و یا همین مالیات بر ارزش افزوده که از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ برقرار گردید اثرات مثبت آن تعدیل و کم رنگ گردید و با توجه به محاسباتی که پیشتر آمد تا ۸۰ درصد از سود واحد های صنعتی را در قالب مالیات های مستقیم و غیر مستقیم بلعید .

سیاست گذاری ها در بخش دریافت مالیات های مستقیم می تواند به نحوی انجام پذیرد که علاوه بر تامین نظر دولت بر در آمد های مالیاتی ضمناً بتواند به سایر شاخصه های اقتصادی کشور نیز کمک نماید .

یکی از این معضلات ، مسئله بیکاری و اشتغال می باشد .

دولت می تواند با تعیین معافیت های مالیاتی در ازاء هر نفر شاغل ، کار فرمایان را به توسعه واحد های صنعتی ، سرمایه گذاری های جدید و نهایتا استخدام افراد جدید ترغیب نماید .

همچنین دولت می تواند با تصویب قوانین جدید در قالب قوانین مالیاتی در خصوص نرخ استهلاك و یا باز گذاشتن دست کار فرمایان در نحوه محاسبه آن به سود آوری آن بنگاه کمک نماید .

نحوه و میزان سرمایه برای ثبت شرکت های جدید و یا ترغیب سهام داران به آوردن بیشتر سرمایه و ثبت آن در قالب افزایش سرمایه و معافیت آن از مالیات و یا حتی دادن معافیت های بیشتر مالیاتی در ازاء سرمایه ثبت شده بیشتر از دیگر نکاتی است که می تواند منجر به افزایش سرمایه گذاری در واحد های صنعتی ، تولید بیشتر ثروت ، کاهش تورم و یا افزایش اشتغال گردد.

بدیهی است که با سیاست گذاری اصولی در نظام جامع مالیاتی کشور می توان اقتصاد کشور را به مسیر صحیح هدایت نمود و همزمان شفاف سازی را به نحو احسن پیاده نمود و همچنین در آمد های مالیاتی را افزایش داد به نحوی که به هیچ صنف و گروهی نیز اجحاف نشود .

تهیه و تنظیم
علیرضا حائری
۸۹/۳/۱۰